

پویش «نذر هشتم» ۸۸ زندانی نیازمند را آزاد کرد

آزادی به یاد حاج قاسم

اول هفته چه چشم‌روشنی ای از این بهتر که در آستانه سالروز شهادت حاج قاسم سلیمانی ۸۸ زندانی غیرعمد با پویشی به نام «نذر هشتم» به آغوش خانواده برگشتند تا فرزندان چشم‌به‌راهشان را خوش حال کنند و خنده و مهر بانی را به خانه آورند. این مهربانی‌ها همیشه می‌ماند و ما فقط از بانیان این کار هادر قالب چشم‌روشنی می‌نویسیم تا از این دست گره‌گشایی‌ها در شهرمان بیشتر شود.

پویش «نذر هشتم» و ابچه‌های مسجدی تشکیل می‌دهند و هر ماه به‌نیت امام هشتم (ع) دست کم هشت زندانی را آزاد می‌کنند و این ماه مرحله بیست‌وششم آن برگزار شد. سعید سرباز جانفدا، مدیرکل زندان‌های استان خراسان رضوی، در توضیح این خبر گفته است: در قالب طرح «نذر هشتم»، در روز هشتم هر ماه دست کم هشت زندانی نیازمند با کمک خیران نمازگزار مساجد به‌نیت امام هشتم (ع)

از زندان‌های استان آزاد می‌شوند. در این مرحله شهرستان سبزوار میزبان و مجری اصلی طرح بود و با مشارکت خیران و مراجع قضایی این شهرستان، بیست زندانی نیازمند آزاد شدند. در این مرحله یاتدبیر رئیس کل دادگستری استان و با توجه به اینکه در آستانه سالگرد شهادت سردار سلیمانی قرار داریم، پویش «نذر هشتم» به صورت فراگیر و استانی برگزار شد و در مجموع ۸۸ زندانی از زندان‌های استان آزاد شدند.

در این مرحله ۳۸ نفر با رأفت اسلامی و بهره‌گیری از ارفاقات قضایی و پنجاه نفر نیز با پرداخت بدهی ۹ میلیارد ریالی به کوشش خیران نمازگزار و ستاد دیه استان از زندان‌ها آزاد شدند و هم‌زمان با سالروز حماسه ملی مردمی نهم دی به آغوش خانواده‌شان بازگشتند.

کاج کریسمس رقیب سفره یلدا می‌شود؟

توجه به جشن‌های بومی بازار جشن‌های وارداتی را کساد می‌کند

گروه جامعه

گزارش
روز

چهره‌پیرمرد را از حاشیه خیابان می‌شود دید، بارش‌های بلند و سپید و لبخندی یخ‌زده که حسی را بر نمی‌انگیزد. لباس‌های مخمل قرمزی که به‌تن دارد با کلاه منگوله‌داری که تا روی پیشانی پایین آمده، هماهنگ است. از داخل کیسه روی شانه اش چند جعبه کادوی روبان بسته‌بیرون زده است. صدای چند پیس‌پیس و پس‌از آن، شیشه‌ای که خیس و بارانی می‌شود چهره بابائونوئل را تار می‌کند. فروشنده ویتروینی را که تا دیروز رنگ و بوی یلدا داشت و این روزها «هی‌کریسمس» را یک‌دک می‌کشد، به امید آمدن مشتریانی که این جشن را به فهرست مراسم سالانه‌شان اضافه کرده‌اند، تمیز می‌کند.



قرار بدهد، بله، جای نگرانی است، اما اگر در حد یک جشن درون خانوادگی یا درون گروهی باشد، نه. جلوگیری از آن و منعش نیاز به معادل‌سازی و برنامه‌ریزی دارد، یعنی وقتی می‌گوییم این کار رانکن، این راهم بگوییم که چه کار را بکن. حسنی بابیان اینکه گرامیداشت کریسمس اکنون مربوط به فشر خاصی است و عمومیت ندارد، ادامه می‌دهد: این قبیل جشن‌ها بُعد طبقاتی دارد و معمولاً طبقات روبه‌بالا که الگوی مصرف تظاهری دارند، آن را به‌عنوان یک شاخص طبقاتی دنبال می‌کنند، بنابراین نگرانی از باب اینکه نفوذ فرهنگ بیگانه رخ داده است و برخوردی بادین دارد، نه. این‌طور نیست. ضمن اینکه باید به نیازهای این طبقات هم توجه داشته باشیم هرچند که با همه‌تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌ها به دلیل طبیعت ارتباطات، بالاخره گروهی از مردم به سمت برگزاری این مناسک گرایش پیدا می‌کنند. استاد یاز، گروه آموزشی علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد به راهکارهایی اشاره می‌کند که می‌تواند جشن سال نو میلادی را به‌فرصت تبدیل کند، مثلاً بومی‌سازی آن در قالب اهمیتی که اسلام به پیامبران الهی داده است، نمایش فیلم‌های مرتبط با حضرت مسیح (ع)، بیان جلوه‌های مثبت اندیشه مسیحیت که با اسلام منطبق است، تبیین جنبه‌های آسیبی احتمالی برای این جشن‌ها به صورت ارشادگونه و بدون مواضع تند و....

طور دیگری پر می‌شود و افراد در فضاهایی دیگر به دنبال تأمین این نیاز می‌روند. او با اطمینان اضافه می‌کند: هرچه به جشن‌های بومی بیشتر توجه و برایشان تبلیغ شود، به‌طور حتم به‌بسترهای جدیدی که در موضوع صحبت ما کریسمس است، همین‌طور جشن‌های وارداتی مثل هالووین یا ولنتاین کمتر توجه می‌شود. حسنی درمیان با اشاره به پدیده اشاعه فرهنگی که با گسترش فناوری و ارتباطات رسانه‌ای روبه‌افزایش است، ادامه می‌دهد: در همه دنیا و در کشور ما این اتفاق می‌افتد. البته اینکه به این کریسمس توجه شود، معنایش این نیست که مردم دارند به سمت مسیحیت به‌عنوان یک دین گرایش پیدا می‌کنند، به کریسمس به‌عنوان مراسمی که بخشی از جهان به آن توجه دارد، نگاه می‌کنند و بیشتر به دنبال شادی آن هستند.

جای نگرانی نیست اگر...

این جامعه‌شناس در پاسخ به این سؤال که آیا روند روبه‌تزايد توجه به جشن‌هایی مثل کریسمس در مشهد می‌تواند خطری فرهنگی قلمداد شود یا خیر، می‌گوید: اگر توجه به این مناسک و مراسم همراه با بی‌توجهی به فرهنگ عمومی باشد، بله، اما مردم ما توجه و علاقه خود را به جشن‌های ملی مذهبی نشان داده‌اند. او ادامه می‌دهد: اگر این جشن‌ها بستری شود که سایر عناصر فرهنگی غرب را با خودش بیاورد و به ضمیمه نظام اخلاقی‌ای باشد که هنجارهای فرهنگی ما را مورد تهدید

«با کلاس است»، شیرین، شادی را بهانه می‌کند. او که همه ملزومات کریسمس را از بازار گل خریده است، تصمیم دارد امسال، جشن سال نو میلادی را با شکوه برگزار کند. در نگاهمان علامت سؤال را که می‌بیند، سعی می‌کند برای تصمیمش دلیل بیاورد، «می‌گویند این جشن، غربی است و به ما ربطی ندارد. راستش خودم هم از جزئیاتش سر در نمی‌آورم، اما بهانه است برای سرگرمی و حال خوش.» در ادامه تعریف می‌کند که در چندماه گذشته، پدر و مادرش مدام در خانه بوده‌اند، اخبار دیده‌اند و روحیه‌شان خراب شده است. برای همین خواسته است در غیاب خواهر مهاجرت کرده‌اش، به هر بهانه‌ای دورهمی بگیرد و خانواده را شاد نگه دارد. بهانه این بار کریسمس است.

او صحبت‌هایش را با خنده بلندی تمام می‌کند: دلخوشی همین چیزهای کوچک است دیگر. زیاد دنبال دلیل فلسفی اش نگردید.

به جشن‌های بومی توجه شود

دلیلی که این شهروند مشهدی برای برگزاری کریسمس روی آن انگشت گذاشته بود، در صحبت‌های دکتر غلامرضا حسنی در میان هم برجسته است. او جامعه‌شناس است و ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد را بر عهده دارد.

معتقد است که شادی یک نیاز است و وقتی ارضای آن در بسترهای بومی به‌درستی انجام نشود یا کمتر مورد توجه قرار بگیرد، این خلأ

رونق بازار مجازی

کلیدواژه کریسمس در فروشگاه‌های فضای مجازی نیز پرتکرار است و قیمت‌ها، عموماً بالاتر از فضای حقیقی، مثلاً کاج مصنوعی صرفاً به‌خاطر شصت سانتی‌متر بلندتر بودن و ظاهری برقی تا ۴ میلیون تومان و حتی بالاتر هم پیدا می‌شود. لباس سگ مناسب کریسمس و گوشواره‌های کریسمسی دیگر کالا‌های عرضه شده در صفحات و سایت‌های عرضه‌کننده است. در این بین، برخی مشاغل نیز با تبلیغاتی که کلیدواژه کریسمس دارد، به‌جانداختن آن در آذهای عموم سرعت می‌دهند. آرایشگاه‌های زنانه‌ای که خدمات رایجشان مثل کراتینه کردن مو یا کاشت ناخن را به بهانه کریسمس تخفیف زده‌اند، همین‌طور عکاسی‌هایی که با فراهم کردن پس‌زمینه و لباس‌های مخصوص این جشن درصد جذب مشتری‌اند نمونه‌هایی از این دست هستند. تزئین میز کریسمس و توره‌های خارجی به‌مقدد آنتالیا، ارمنستان و... از دیگر تبلیغ‌ها برای مخاطبان مشهدی در فضای مجازی به‌مناسبت جشن سال نو میلادی است.

سرگرمی تازه

در کنار همه‌کسانی که به‌ج‌رگه برگزارکنندگان جشن کریسمس پیوسته‌اند صرفاً چون

رنگارنگ وبی‌قاعده

با بانوئل گیتار به دست با چند نمونه مشابه کوتاه قدتر پشت ویتروین فروشگاه بعدی، قدراست ایستاده‌اند، به‌احترام جیب مشتری‌هایی که به بهانه شادی، تفاخر یا هر چیز دیگر، بنای خریدنشان را داشته باشند. این چندمین فروشگاه‌ای است که در پوشش یک مشتری از نوع بی‌دغدغه مالی و به‌قول امروزی‌ها لاج‌سر می‌زنیم و قیمت می‌گیریم. باین‌حال هنوز برای نرخ‌گذاری روی کالا‌های مورد نیاز برای این جشن بی‌جایگاه در فرهنگ عمومی کشور، قاعده‌ای پیدا نکرده‌ایم. بعید است خبری از قاعده و نظارت و این‌طور چیزها باشد و گر نه یک جوراب گل‌منگلی که برای جای دادن کادوهای کریسمس طراحی شده است، ۲۵۵ هزار تومان قیمت ندارد. گلدان سفالی بابائونوئل - به‌قد یک انگشت اشاره - را قیمت زده است ۸۸ هزار تومان. جاشمعی‌های بابائونوئل، ماگ، آویزهای رنگارنگ کریسمس و عروسک‌های ریزودرشت برای تزئین درخت کاج هم قیمت مشابهی دارد. مجسمه‌های جشن هالووین با دهن‌های سیاه و خنده‌های ترسناک نیز لایه‌لای جنس‌های این فروشگاه پرزرق و برق و شکوه ساختگی‌اش به چشم می‌خورد.

اصرارهای صوری

صدای درینگ‌درینگ زنگوله‌ای که به سقف فروشگاه آویزان شده است، فروشنده‌های این فروشگاه بزرگ را از ورود یک مشتری تازه و سرخوش در صبحی سرد باخبر می‌کند. به‌آز کردن باب‌گفت و گویمان پرسیدن قیمت اقلام کریسمس است، مثلاً آن حلقه پرزرق و برق که در می‌آید ۱۱۰ هزار تومان، زنگوله نقره‌ای ۱۵۰ هزار تومان، گوی‌های قرمز و طلایی دانه‌ای ۳۰ هزار تومان و البته گران‌تر از بقیه مغازه‌ها، از درختچه‌های کاج مصنوعی می‌پرسیم که پای ثابت جشن کریسمس برای طرف‌دارانش است. بعد از کلی بازارگردی، که قیمت و کیفیت جنس‌هایمان مثل ندارد، یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان را قیمت می‌دهد. اصرار صوری فروشنده دوم به‌صاحب مغازه در گرفتن تخفیف برایمان، نرخ را فقط به اندازه ۵۰ هزار تومان پایین می‌آورد؛ باین توضیح که «در اصل باید یک و نیم میلیون تومان بفروشیم و ما داریم زیر قیمت می‌دهیم»، با تردید پیشنهاد می‌دهد که به‌سایر فروشگاه‌های بازار گل فتح‌آباد خیام هم سری بزنیم و قیمت‌ها را مقایسه کنیم، درحالی‌که انگار هر دو می‌دانیم دیدار دوباره‌ای در کار نیست.

الگوی خوب برای گروه‌های مردم‌نهاد

طعم شیرین انتخاب

کهنه و پاره به سراغم آمد و گفت: عمو! من این لباس‌ها را نمی‌خواهم. دوست داشتم هر طور شده دلش را به دست بیاورم و خنده را به لبش بنشانم. گفتیم: چه دوست داری؟ در جوابم گفت: چند روز است که در مسیر مدرسه پشت‌وبترین مغازه‌ای کاپشنی دیده‌ام که خیلی قشنگ است، اما پولش را ندارم. به پسر بچه اشاره کردم که کنار بايست تا کار توزیع لباس تمام شود و با هم بیشتر صحبت کنیم. کارمان تمام شد. دستش را گرفتیم و به مغازه‌ای

ماجرای پنج سال قبل برمی‌گردد، آن موقع برای نیازمندان شهرمان از بین دوستان و آشنایان لباس دست‌دوم جمع‌آوری می‌کردیم، می‌شستیم، اتو می‌کردیم و برایشان می‌برديم. با همين لباس‌ها دلشان شاد بود. در یکی از روزهای سرد پاییزی که گرم توزیع لباس بودم، پسر بچه‌ای با لباس

روایت

فرمان
سروآزاد

مدیر مؤسسه خیریه روشنی



لباس و کفش انتخاب کرده‌اند. شوق و شورشان در فروشگاه توصیف‌شدنی نیست وقتی می‌توانند لباس مورد علاقه خود را از لحاظ رنگ و اندازه انتخاب کنند. به بچه‌ها یاد دادیم که همان‌طور که امروز می‌توانند لباس خود را انتخاب کنند، فردا می‌توانند آینده خود را برگزینند.

لذت خرید در مؤسسه خیریه رویش برای بچه‌های تحت پوشش امروز یک اصل مهم است. بچه‌های آغاز شود. تمام این لذت خرید کمتر از پنج دقیقه طول کشید اما از آن موقع به بعد باعث شد برنامه لذت خرید را با کمک خیران آغاز کنیم. موضوع را بین خیران مطرح کردم. همه استقبال کردند، پنج سال می‌گذرد و هر سال از سال قبل رونق بیشتری می‌گیرد. بیش از چهل مرتبه با بچه‌های تحت پوشش به فروشگاه‌های همان مناطق کم‌برخوردار رفته‌ایم و بچه‌ها خودشان برای خودشان